



نظام حزبی است. اگر احزاب از فعالیت حزبی منسجم ناتوان باشند و درگیر شخصیت محوری، جناح بازی و سیاست زدگی شوند، روشن است که راه به جایی نمی‌برند و نمی‌توانند کادرهای مطلوب و مناسب بسازند. احزابی که در حال حاضر در ایران وجود دارند باید پاسخ دهند که تا چه اندازه توانسته‌اند در انتخابات نقش آفرینی کنند و تا چه اندازه توانسته‌اند حضور مؤثر خود را در دولت‌ها به منصه ظهور برسانند؟ نکته قابل توجه آن است که حتی اگر با چشم پوشی از خطاهای فاحش تحلیلی موجود، فرض شود که صحبت‌های این افراد درست است، باید گفت که این دسته از تحلیل‌ها و کسانی که آنها را ارائه می‌دهند، هیچ گاه به چرایی‌ها نمی‌پردازند و تنها با ارائه توصیفات کلی نتایجی کلی را ترتیب می‌دهند. چشم بستن به روی واقعیات در تمام سال‌ها و دهه‌های گذشته و عدم توجه به ریشه‌های وضعیتی که اکنون در آن قرار داریم، اولاً باعث می‌شود تا مسائل به همان گونه‌ای که هستند بدرستی فهم نشوند یا اشتباه فهم شوند و ثانیاً فهم اشتباه خود مقدمه‌ای انحرافی بر نظام مسائل مرتبط به حساب آید. به نظر می‌رسد برخی نقدها تنها در زمانی و از سوی کسانی مطرح می‌شوند که دولتی ناهمسو با آنها روی کار می‌آید. در هر صورت نباید از نظر دور داشت که آنچه کشور را بدین نقطه کانونی رسانده در کنار ناکارآمدی‌های انباشتی دولت‌ها، نظرات ناصواب و ناقص و گمراه‌کننده برخی کسانی است که ذیل عنوان نخبگان سیاسی، در طول این سال‌ها هیچ خروجی مشخصی نداشته‌اند و جز اینکه روی به ساده‌ترین کار یعنی ترجمه صرف آنچه در کشورهای دیگر گفته و نوشته و انجام شده، نتوانسته‌اند نسخه اجرایی مشخصی را برای حاکمیت و ارتقای سطح کیفی عملکرد دولت پیشنهاد دهند.

در زمان رقابت‌های انتخاباتی به طور پررنگ جوانگرایی را مورد توجه قرار داده بود و استفاده از جوانان و نخبگان را رویکرد جدی دولت آینده خوانده بود، پس از پیروزی در انتخابات بارها به مناسبت‌های مختلف از جوانگرایی صحبت کرده و ترکیب مدیریتی در بدنه دولت نیز نشان دهنده صدق عملی همین صحبت‌ها است. اگر بخواهیم با اندکی مسامحه تعیینی به نام کادر و مقوله‌ای به نام کادرسازی را بپذیریم، آن گاه باید گفت که اتفاقاً دولت سیزدهم مظهر کادرسازی و استفاده از نیروهای کادر است. نگاهی به آرایش نیروهای مدیریتی در ساختار و بدنه دولت نشان می‌دهد که از یک سو استفاده از مدیران باتجربه‌ای که سال‌ها به دلیل نگاه سیاسی دولت‌ها کنار گذاشته بودند، پررنگ است و از سوی دیگر به کارگیری مدیران جوانی که در آغاز راه قرار دارند و توانسته‌اند کارآمدی خود را در سطوح پایین‌تر قبلی که بوده‌اند، به اثبات برسانند، قابل توجه است. شاید بتوان پذیرفت که دولت فعلی دولت کادرها نیست، چرا که اساساً نه دولت‌های قبل و نه احزاب خودساخته و خودخوانده موجود کادری نساخته‌اند و عمده آنها جز به منافع گروهی و جناحی نیندیشیده‌اند. اما می‌توان دولت کنونی را دولتی کادرساز دانست که اتفاقاً سنگ بنای مسیری را نهاده که انتهای آن به کادرسازی موفق خواهد انجامید.

دولت سیزدهم و انباشت ناکارآمدی دولت‌های پیشین

دولت‌ها از کادر تهی نمی‌شوند و کادرها زدودنی نیستند، زیرا اساساً این دولت‌ها نیستند که خود را از کادرها می‌سازند، بلکه این کادرها هستند که باید دولت‌ها را به وجود آورند. کادرها از دل تشکیلات سیاسی منسجم به وجود می‌آیند که برجسته‌ترین آنها

روشن است که جوانگرایی قطعاً به معنای واگذاری همه امور به جوانان نیست، اما به باور ناظران توجه به تجربه افراد موفق نیز نباید به معنای آن باشد که عرصه بر ورود جوان‌ها به مناصب جدید بسته باشد. ظرفیت‌سازی و کادرسازی در واگذاری مسئولیت‌ها از اولویت بالایی برخوردار است. بر این مبنا باید جوانان متخصص و توانمند را با برنامه‌ریزی، بتدریج وارد عرصه مدیریتی در سطوح مختلف کرد. رئیس‌جمهور نیز که در زمان رقابت‌های انتخاباتی به طور پررنگ جوانگرایی را مورد توجه قرار داده بود و استفاده از جوانان و نخبگان را رویکرد جدی دولت آینده خوانده بود، پس از پیروزی در انتخابات بارها به مناسبت‌های مختلف از جوانگرایی صحبت کرده و ترکیب مدیریتی در بدنه دولت نیز نشان دهنده صدق عملی همین صحبت‌ها است

ویژه‌نامه



ایران

چهارشنبه
۲ شهریور ۱۴۰۱